

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله یوحنا - کاعدۀ نگلی ۱/۱

مؤلف متن: بنگرید به جلد چهارم فهرست ص ۱۵۴ — محشی:

شارح: — مترجم: در مؤلفه تحقیق نامعلوم فهرست ج ۴

تاریخ تحریر: سده ۱۳ ق — نوع خط: نستعلیق — تعداد سطر: ۵

جزء کتب: کلام — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۳۷

طول: ۱۷ — عرض: ۱۱ — شماره عمومی: ۲۶۷۵۹

وقفی / خریداری: خریداری آستان قدس — تاریخ وقف / خریداری: مرداد ۱۳۷۹

ملاحظات:

۷ × ۱۱/۵

سالکان بانواع عرفان مکشوف دارد تا طالبان حق بهدایت
قوله تعالی یسعی نورهم بین ایدیهم وبایمانهم و بروایت
یوم ندعوا کل اناس بامامهم بپویند و مرید صادق
بعنایت فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم
حدید بتحقیق حق واصل کردد و محب انصاف و مبغض
اجحاف بمقام فبشر عبادی الذین یستمعون القول
فیتبعون احسنه نازل شود و امور دین و دنیا
بمصداق ومن احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل
صالحا بنظام آورد و سلامیکه زبان قوت ناطقه آن
بر نتابد و درودیکه فخر به تقدیر وهو الذی یصلی علیکم
وملائکته در نیابد مفضلی را رساناد که هدایت مهدیان
آفتاب آفاق کمترین پایه فضل اوست و ارشاد مرشد
جهانیان علی الاطلاق فیضی از مایه نوال اوست
اعنی محمد مصطفی ص و اهلبیت او که پیشوایان دین

اورا دو حسنه است و از برای او دو اجر مقرر است و هر که اجتهاد کند
و در اجتهاد خود مخطی باشد او را یک حسنه است و ظاهر است
که این حدیث شریف عام است و تخصیص آن بجماعت بر وجه
مذکور منافی عموم است و از قبیل ما لا یقبله العقل
و لا یساعده النقل است و مذهبی که مخالف کلام الهی
و ضد حدیث رسالت پناهی است باشد باطل و عاطل خواهد
بود والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم تمت
الرسالة بعون الملک العلامة علی یدی العبد الحقیر حسین ابن
محمد الشهیر بعلی آبادی فی شهر شعبان المعظم ۱۲۳۶

تصنیف یوحنا در ابطال مذاهب اربعه
بحث و تفتیش

بسم الله الرحمن الرحیم
و به ثقتی و اعتمادی علیه

الحمد لله رب العالمین و الصلواة و السلام علی محمد و آله
اما حق تعالی به برهان تحقیق حجاب تقلید از خواطر همگنان
مرفوع گردانا و دغدغه شبهات تدلیس و ممونهات تلبیس از ضمایر
سالکان

شیب

سؤال از حضرت رسول الله پرسیدند که یا رسول الله خبر کن ما را از پنج تن که
بی پدر و مادر موجود شدند که بودند آنحضرت فرمود که یکی از ایشان آدم صفی الله
دویم از انها که بی پدر و مادر بودند حوا بود و چون ایزد تعالی حوا را بیافرید
آدم حوا را دید که در پیش وی نشسته بقدرت الهی پس آدم را تعجب آمد خبر
نمود که خداوند تبارک و تعالی بقدرت خود او را از پهلوی چپ آدم بیافرید
اگر آدم را رنجی رسیدی هرگز هیچ مردی زن را دوست نداشتی پس چون
از خواب بیدار شد حوا را در پیش خود نشسته دید چنانکه یاد کردیم پس فرشتگان
خواستند که آدم را بیازمایند گفتند ای آدم این کیست گفت زنست
گفتند او را چه نام است گفت حوا گفتند چرا حوا نام دارد گفت از این
آنکه وی را از زنده آفریده و از زن آفریده است گفتند تا او را چکنی
گفت تا دل آرام دل خفته من باشد و او مرا آرام کرد و از این آنست
که هر چند زنان پیرتر شوند زشت تر شوند و مردان هر چند پیرتر شوند
عزیزتر شوند و باصفاتر شوند از آنکه آدم را از خاک آفریدند و خاک
هر چند کهنه تر شود نیکوتر گردد و حوا را از گوشت آفریدند پس هر چند گوشت
دیرتر شود گنده تر شود و استخوان وی چرکین تر گردد و پژمرده تر گردد
اما از آنکه فخر بر مردانست که اصل مردان از دنیاست و اصل زنان
از بهشت است چه آدم را که در دنیا آفریدند و حوا را در بهشت [illegible]